

Received: 2025/8/23
Accepted: 2026/5/31
from 145 to 165

**Robabeh Zeinvand
Lorestani**

Department of Quran and Hadith
Sciences, Khor. C., Islamic Azad
University, Khorramabad, Iran.
R.zenvandlorestani@iau.ac.ir

Soghra Radan

Assistant Professor, Department
of Islamic Studies, YI.C., Islamic
Azad University, Tehran, Iran.
(Corresponding Author)
soghra.radan@iau.ac.ir

**Seyyed Hatem Mahdavi
Noor**

Associate Professor, Department
of Islamic Studies, YI.C., Islamic
Azad University, Tehran, Iran.
hmahdavinoor@iau.ac.ir

Keywords:

Female rationality, Qur'an,
religious education, family,
thematic analysis.

**Female Rationality in the Qur'an and Its Role in the
Religious Education of the Family: A Thematic Analysis**

Abstract

This study aims to analyze the various dimensions of “female rationality” and to explain its role and functions within the system of religious education in the family from the perspective of the Holy Qur'an. Using qualitative thematic analysis and an inductive approach, the study extracts and classifies the components of female rationality from Qur'anic verses. The findings show that female rationality in the Qur'an is not confined to cognitive capacity alone, but stands in a multidimensional relationship with the spiritual, moral, emotional, biological, and exemplary domains, playing a key role in guiding successive generations, sustaining the psychological cohesion of the family, and transmitting religious values. Qur'anic evidence concerning figures such as Mary, Asiyah (the wife of Pharaoh), the mother of Moses, and the Queen of Sheba indicates that female rationality represents an integration of faith, prudent judgment, emotional management, and the capacity for educational exemplarity. The principal contribution of the study is the presentation of a conceptual model of female rationality within the context of the religious family — a model that can inform educational policymaking, curricular reform, and a reconsideration of women's position within the Islamic family system.

عقلانیت زنانه در قرآن و نقش آن در تربیت دینی خانواده:

تحلیلی مضمون محور

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۶/۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۳/۱۰

از صفحه ۱۴۵ تا صفحه ۱۶۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل ابعاد گوناگون «عقلانیت زنانه» و تبیین نقش و کارکردهای آن در نظام تربیت دینی خانواده از دیدگاه قرآن کریم انجام شد. در این تحقیق با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون کیفی و رویکرد استقرایی، مؤلفه‌های عقلانیت زنانه از دل آیات قرآن استخراج و طبقه‌بندی گردید. یافته‌ها نشان داد که عقلانیت زنانه در قرآن صرفاً ناظر به توان شناختی نیست، بلکه در پیوندی چندبُعدی با ساحت‌های معنوی، اخلاقی، عاطفی، زیستی و الگوسازانه قرار دارد و نقشی کلیدی در هدایت نسل، انسجام روانی خانواده و انتقال ارزش‌های دینی ایفا می‌کند. شواهد قرآنی درباره‌ی شخصیت‌هایی چون حضرت مریم^(س)، آسیه همسر فرعون، مادر حضرت موسی^(ع) و ملکه‌ی سبأ بیان‌کننده‌ی آن است که عقلانیت زنانه تلفیقی از ایمان، تدبیر، مدیریت عاطفی و قدرت الگوسازی تربیتی است. دستاورد اصلی پژوهش ارائه‌ی الگویی مفهومی از عقلانیت زنانه در بستر خانواده‌ی دینی است؛ الگویی که مبنای سیاست‌گذاری‌های تربیتی، اصلاح برنامه‌های آموزشی و بازاندیشی جایگاه زن در نظام خانواده اسلامی قرار گرفت.

ربابه زینوند لریستانی

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.

R.zenvandlorestani@iau.ac.ir

صغری رادان

استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد یادگار امام خمینی^(س) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(نویسنده‌ی مسئول)

soghra.radan@iau.ac.ir

سید حاتم مهدوی نور

دانشیار، گروه معارف اسلامی، واحد یادگار امام خمینی^(س) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

hmahdavinoor@iau.ac.ir

واژگان کلیدی:

عقلانیت زنانه، قرآن، تربیت دینی، خانواده، تحلیل مضمون.

۱- بیان مسئله

تربیت دینی فرایندی چندبُعدی و بنیادین در نظام اسلامی است که با پرورش انسان‌های مؤمن، اخلاق‌مدار و متعهد به ارزش‌های الهی تحقق می‌یابد. این فرایند، از مسیر آموزش مفاهیم دینی، درونی‌سازی باورهای توحیدی و تقویت فضائل اخلاقی سامان می‌گیرد. قرآن کریم خانواده را نخستین و مؤثرترین نهاد تربیتی معرفی می‌کند و در این میان، زن - به‌ویژه در مقام مادری، مدیریت عاطفی و الگوسازی فرهنگی - نقشی محوری در شکل‌دهی به هویت دینی و اخلاقی نسل آینده دارد. در نگاه قرآنی، زن صرفاً معلم ابتدایی کودک نیست، بلکه از طریق تدبیر عقلانی، هدایت معنوی و انسجام روانی، بنیان‌های اعتقادی و تربیتی خانواده را استحکام می‌بخشد.

بالاین حال، بررسی پیشینه‌ی مطالعات حاکی از آن است که نقش «عقلانیت زنانه» در تربیت دینی خانواده، کمتر به‌طور مستقل، نظام‌مند و در قالب الگویی قرآنی تحلیل‌شده است. اغلب پژوهش‌های پیشین یا به ابعاد عاطفی و روان‌شناختی نقش زنان در خانواده پرداخته‌اند، یا مقوله‌ی عقلانیت را به‌صورت کلی و بدون لحاظ تفاوت‌های جنسیتی بررسی کرده‌اند. این در حالی است که آیات قرآن نمونه‌های برجسته‌ای از عقلانیت زنانه در شرایط اجتماعی، خانوادگی و تربیتی ارائه می‌دهد؛ ازجمله درایت و آرامش مادر حضرت موسی در مواجهه با بحران (قصص: ۷)، تدبیر سیاسی ملکه‌ی سبأ در مواجهه با تهدید نظامی (نمل: ۳۲ - ۳۵) و استواری حضرت مریم در برابر فشارهای اجتماعی و فرهنگی (مریم: ۲۶ - ۳۳).

از سوی دیگر، نفوذ گفتمان‌های سکولار غربی درباره‌ی نقش زن، ضعف ساختارهای آموزشی دینی و تحولات خانواده ایرانی در دهه‌های اخیر موجب غفلت از ظرفیت عقلانی زنان در نظام تربیتی خانواده شده است. پژوهش حاضر در پاسخ به این خلأ نظری و عملی، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون و با تکیه بر آیات قرآن کریم، در پی شناسایی ابعاد عقلانیت زنانه و تبیین الگوی مفهومی آن در پیوند با تربیت دینی خانواده است.

۲- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، در زمره‌ی مطالعات کاربردی-توسعه‌ای و از لحاظ رویکرد، کیفی و تفسیری است. روش اصلی پژوهش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) به شیوه‌ی استقرایی است. این روش برای کشف الگوهای معنایی نهفته در متن مقدس قرآن و شناسایی مفاهیم کلیدی مرتبط با «عقلانیت زنانه» درباره‌ی «تربیت دینی خانواده» به کار گرفته شده است.

جامعه‌ی پژوهش شامل همه‌ی آیات قرآن کریم است که به‌صورت مستقیم یا ضمنی، با مفاهیم «عقل»، «زن»، «خانواده» و «تربیت دینی» ارتباط دارند. منابع داده عبارت‌اند از: متن قرآن کریم با استفاده از ترجمه‌های معتبر؛ تفاسیر قرآنی برجسته همچون المیزان، نمونه و مجمع‌البیان؛ منابع روایی و ادبیات تفسیری برای فهم زمینه‌ی نزول و عمق معنایی آیات؛ مطالعات روان‌شناسی

تربیتی و اخلاق اسلامی برای تحلیل تطبیقی مضامین عقلانی در بستر خانواده. فرایند گردآوری داده‌ها در سه مرحله انجام شده است:

شناسایی آیات هدف: استخراج آیات مرتبط با کلیدواژه‌هایی مانند «عقل»، «تفکر»، «هدایت»، «زن»، «مادر»، «خانواده» و «تربیت» از طریق جست‌وجوی موضوعی و واژگانی؛

تحلیل تفسیری: بررسی دقیق آیات منتخب با مراجعه به تفاسیر معتبر برای شناسایی محتوای عقلانی و تربیتی؛

اعتبارسنجی اولیه: تطبیق مفاهیم استخراج‌شده با منابع مکمل روان‌شناسی تربیتی و اخلاق اسلامی برای افزایش اعتبار تحلیل.

این پژوهش از الگوی شش مرحله‌ای براون و کلارک (Braun & Clarke, 2006) در تحلیل مضمون بهره گرفته است که عبارت‌اند از: آشنایی با داده‌ها؛ مطالعه‌ی دقیق آیات و تفاسیر منتخب، ثبت نکات اولیه و استخراج ایده‌های کلیدی؛ تولید کدهای اولیه؛ شناسایی مفاهیم پایه مانند «اعتماد به خدا»، «تدبیر»، «حیا»، «ایجاد آرامش» و ثبت آن‌ها به عنوان کدهای مفهومی اولیه؛ جست‌وجوی مضامین: تجمیع کدهای مشابه در قالب مضامین کلی‌تری مانند «عقلانیت معنوی»، «عقلانیت اخلاقی»، «عقلانیت عاطفی» و...؛ بازنگری مضامین: تطبیق مضامین با محتوای آیات، اصلاح یا حذف مضامین ناسازگار؛ تعریف و نام‌گذاری مضامین: انتخاب عنوان‌های دقیق و مفهومی برای مقولات نهایی؛ تدوین مدل مفهومی: طراحی الگوی نهایی «عقلانیت زنانه» در قرآن با پنج بُعد اصلی: معنوی، اخلاقی، عاطفی، زیستی و الگوسازانه.

برای افزایش اعتبار و اطمینان از انسجام تحلیلی یافته‌ها، از راهکارهای ذیل بهره گرفته شد: بازبینی تخصصی: دو متخصص در حوزه‌ی علوم قرآنی و تربیت اسلامی، کدها و مضامین استخراج‌شده را ارزیابی و تأیید کردند؛ بازنگری چندمرحله‌ای (Iterative Review): تحلیل مضمون در چندین مرحله بازبینی و اصلاح تدریجی شد؛ تنوع منابع: گردآوری داده‌ها از منابع گوناگون (قرآن، تفسیر، روان‌شناسی و اخلاق اسلامی) اعتبار بین منبعی را تقویت کرد.

معیار ورود: آیات دارای مفاهیم عقلانی (مانند تفکر، تدبیر، هدایت)، مرتبط با نقش زن (در مقام مادری، همسری یا مدیریت خانواده) و دارای کارکرد تربیتی؛ معیار خروج: آیات بدون پیوند مستقیم با تربیت دینی یا بدون مؤلفه‌های عقلانیت زنانه.

۳- پیشینه‌ی پژوهش

مطالعات علمی مرتبط با موضوع «عقلانیت زنانه در تربیت دینی خانواده» به صورت مستقیم و منسجم، محدود و پراکنده است. اغلب پژوهش‌ها یا به بررسی جایگاه عقل در تربیت دینی به طور کلی پرداخته‌اند، یا نقش زن در خانواده را از دیدگاه عاطفی، اخلاقی یا روان‌شناختی مورد توجه قرار داده‌اند. در ادامه، مهم‌ترین مطالعات مرتبط مرور و ارزیابی می‌شود.

قاسم پور (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه عقل در تربیت دینی از دیدگاه علامه طباطبایی»، عقل را ابزار هدایت و تزکیه دانسته است. هرچند به مبانی قرآنی عقل توجه دارد؛ اما رویکرد

مقاله جنسیت‌محور نیست و به نقش خاص زنان در خانواده نمی‌پردازد. جان‌نشاری و واعظی (۱۳۹۶) در پژوهش «نقش عقلانیت در تربیت قرآنی»، عقل را ابزار رشد ایمان دانسته‌اند؛ اما تمرکز اصلی آنان بر تحلیل‌های کلی از عقل بوده و به الگوهای زنانه در نظام خانواده توجهی نشده است. مصباح یزدی (۱۳۹۸) در چارچوب معرفت‌شناسی وحی، به تبیین عقلانیت دینی پرداخته است. با این حال، ارتباط این نوع عقلانیت با کارکردهای خانواده و نقش زنان در آن تبیین نشده است. پژوهش حاضر تلاش دارد این خلأ را با تحلیل مستقیم آیات قرآن و داده‌های تفسیری پوشش دهد.

منصوری و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ی «تعالی عقلانی زنان در سیره‌ی علوی» به تحلیل عقلانیت زنان از دیدگاه تاریخی و روایی پرداخته‌اند؛ اما نگاه قرآنی و پیوند باتربیت خانواده در آن برجسته نیست. کریمی‌نیا و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش «نقش مادر در تربیت دختران» با تأکید بر خانواده، به نقش زن پرداخته‌اند؛ اما مفاهیم عقلانیت زنانه و ریشه‌های قرآنی آن به درستی تبیین نشده است. بابایی (۱۴۰۲) در مقاله‌ی «حقوق زن در سوره‌ی نساء» تمرکز خود را بر ابعاد فقهی و حقوقی قرار داده و به بررسی نقش عقلانی زن در ساختار خانواده نپرداخته است. با توجه به بررسی پیشینه می‌توان گفت، پژوهش حاضر از چند نظر نوآوری دارد: نخست آنکه برای اولین بار عقلانیت زنانه در قرآن به‌طور مستقل و در پیوند باتربیت دینی خانواده تحلیل شده است؛ دوم آنکه مطالعه‌ی حاضر با رویکرد میان‌رشته‌ای (قرآن‌پژوهی، روان‌شناسی تربیتی، فلسفه‌ی اخلاق و جامعه‌شناسی خانواده) انجام گرفته است و سوم آنکه بر مبنای تحلیل مضمون، مدلی مفهومی و چندبُعدی از عقلانیت زنانه ارائه گردیده که می‌تواند هم به غنای نظری مطالعات قرآنی کمک کند و هم در عرصه‌های کاربردی تربیت دینی و مشاوره خانواده بهره‌برداری شود.

۲- تعاریف مفاهیم و چارچوب نظری

پژوهش حاضر با تمرکز بر مفهوم «عقلانیت زنانه» در آیات قرآن کریم، در پی تبیین نقش چندبُعدی و محوری زنان در هدایت و تربیت دینی خانواده است. بدین منظور، مفاهیم بنیادینی همچون عقلانیت، تربیت دینی و نقش زن در خانواده به‌عنوان محورهای تحلیلی پژوهش، مورد بازخوانی و تفسیر مفهومی قرار گرفته‌اند. این مفاهیم در پیوندی نظام‌مند با یکدیگر، چارچوب نظری پژوهش را شکل می‌دهند.

۱-۴- تعریف مفاهیم کلیدی

۱-۱-۴- مفهوم عقلانیت

در زبان عربی، واژه‌ی «عقل» از ریشه‌ی «عَقَلَ» به معنای «بازداشتن، نگه داشتن و مهار کردن» گرفته شده است (فراهیدی، ۱۳۶۷، ص ۳۶۵؛ جوهری، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۹۳). در متون لغوی و تفسیری، عقل به‌مثابه نیرویی درونی برای مهار خواش‌های نفسانی، تشخیص راه درست و هدایت رفتار انسان معرفی می‌شود. این معنا در متون روایی نیز انعکاس یافته است، چنان‌که امام صادق^(ع)

می‌فرماید: «العقل ما عُبدَ به الرحمن و اکتُسِبَ به الجنان؛ یعنی عقل همان چیزی است که بندگی خدا با آن صورت می‌گیرد و به وسیله‌ی آن بهشت حاصل می‌شود» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۱). بر اساس این نگرش، عقل صرفاً ابزار شناخت نیست، بلکه وسیله‌ای برای بندگی الهی و دستیابی به سعادت اخروی به‌شمار می‌رود.

در منابع روان‌شناختی و تربیتی، عقلانیت به توانایی تحلیل موقعیت، تشخیص راه‌حل، انتخاب آگاهانه و اقدام مسئولانه در مسیر اهداف متعالی تعریف شده است (عمید، ۱۳۵۹، ص ۷۶۲؛ غفاری پور، ۱۳۹۷، ص ۲۲). در این رویکرد، عقلانیت محدود به بُعد شناختی صرف نیست، بلکه مؤلفه‌های اخلاقی، معنوی و عاطفی را نیز دربر می‌گیرد.

در نگرش اسلامی، عقلانیت جهت‌گیری توحیدی دارد و در پیوند با وحی، معنای قدسی و هدایت‌گر می‌یابد. این رویکرد که از آن با عنوان «عقلانیت وحی محور» یاد می‌شود، فراتر از عقلانیت ابزاری است و بر نقش عقل در بندگی، تربیت و انتخاب اخلاقی تأکید دارد (پارسا، ۱۳۸۹، ص ۵۵ - ۵۸). چنین عقلانیتی راهی به‌سوی هدایت الهی و ابزاری برای پرورش انسان در تراز دینی فراهم می‌سازد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در تحلیل اجتماعی از عقلانیت، آن را نوعی کنش آگاهانه بر پایه‌ی معرفت، بینش و واقع‌بینی می‌داند که در عرصه‌ی فردی و اجتماعی بروز می‌یابد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۴/۲۹). در نظام تربیت دینی خانواده، این عقلانیت نقش ابزاری هدایت‌گر برای اصلاح روابط، تحکیم ایمان و ارتقای اخلاق ایفا می‌کند.

از دیدگاه روان‌شناسی تربیتی نیز، عقلانیت والدین - به‌ویژه مادران - نقش مؤثری در الگوبرداری و جامعه‌پذیری فرزندان دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که رفتارهای منطقی، هدایت‌گر و متعادل مادر در شکل‌گیری شخصیت اخلاقی کودک تأثیر مستقیم دارد (Berk, 2017, p. 213).

بر اساس این می‌توان نتیجه گرفت که عقلانیت در چارچوب تربیت دینی خانواده، ابزاری چندلایه و میان‌رشته‌ای است که ابعاد شناختی، عاطفی، اخلاقی و معنوی را دربر می‌گیرد و در مقام هدایت‌گری زنان در خانواده، نقشی بنیادین ایفا می‌کند.

۴-۱-۲- عقلانیت زن از دیدگاه قرآن

در تحلیل قرآنی عقلانیت می‌توان سه سطح مفهومی متمایز از هم تشخیص داد: عقلانیت پیشاجنسیتی، عقلانیت فراجنسیتی و عقلانیت جنسیتی. این تفکیک بستر مفهومی مناسبی برای تبیین عقلانیت زنانه در نظام تربیت دینی خانواده فراهم می‌سازد.

عقلانیت پیشاجنسیتی: این سطح از عقلانیت به بعد فطری و مشترک عقل در نهاد بشر اشاره دارد؛ جایی که عقل به‌مثابه قوه‌ای الهی، توانایی تشخیص خیر و شر، هدایت به عدالت و انتخاب مسیر درست را در اختیار انسان قرار می‌دهد. این عقلانیت جنبه‌ای همگانی و غیر تفکیکی دارد و به همه‌ی انسان‌ها اعطا شده است. آیه‌ی «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (الشمس: ۷-۸)، گواهی بر این عقلانیت فطری و اخلاقی است که مبنای

اولیه‌ی هدایت انسان را - فارغ از جنسیت - شکل می‌دهد (صانع‌پور، ۱۴۰۰، ص ۱۸). عقلانیت فرا جنسیتی: در این سطح، زن و مرد به‌عنوان انسان‌های مختار، عاقل و مسئول، در عقلانیتی مشترک و متعالی شریک‌اند. قرآن در موارد متعددی، از تعبیر «أُولُو الْأَلْبَاب» برای اشاره به خردمندان بهره برده است، بدون آنکه تمایز جنسیتی قائل شود. آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵ سوره‌ی آل‌عمران، مؤمنان خردورز را با ویژگی‌هایی چون تفکر، دعا، استقامت و امید به رحمت الهی توصیف می‌کند؛ ویژگی‌هایی که شامل زنان نیز می‌شود؛ همچنین آیه‌ی «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (التوبه: ۷۱)، تجلی عقلانیت مسئولانه را در تعامل مشترک زن و مرد در عرصه‌های دینی و اجتماعی به تصویر می‌کشد.

عقلانیت جنسیتی: این سطح از عقلانیت به ظهورات خاص عقل در قالب نقش‌ها، ویژگی‌ها و ظرفیت‌های متفاوت زن و مرد می‌پردازد. این سطح نافی عقلانیت مشترک نیست، بلکه با تکیه بر تفاوت‌های طبیعی، روان‌شناختی و اجتماعی، به تبیین تجلی‌های خاص عقل در ساختارهای جنسیتی می‌پردازد. نمونه‌های برجسته‌ای از عقلانیت زنانه در قرآن عبارت‌اند از: تدبیر مادر حضرت موسی در مواجهه با خطر قتل فرزند، پنهان‌سازی او و اعتماد به وعده‌ی الهی در شرایط بحرانی (القصص: ۷-۱۳)؛ درایت ملکه‌ی سبأ در مواجهه با پیام سیاسی و دینی حضرت سلیمان، بررسی اوضاع، مشورت با درباریان و تصمیم‌گیری مستقلانه (النمل: ۲۹-۳۵)؛ پایداری حضرت مریم در برابر تهمت‌های اجتماعی و حفظ کرامت خود در برابر فشار فرهنگی گسترده (مریم: ۲۶-۳۳). این موارد نشان می‌دهند که عقلانیت زنانه در قرآن، ترکیبی از ایمان، عاطفه، تدبیر و مسئولیت‌پذیری است که در بستر خانواده، به هدایت نسل، تحکیم ایمان و ایجاد آرامش روانی کمک می‌کند. درواقع، این عقلانیت نه‌تنها در سطح فردی بلکه در ساختارهای تربیتی خانواده، نقشی فعال، ایجابی و الگوآفرین دارد.

۳-۱-۴- تربیت دینی

تربیت دینی در این پژوهش، به‌مثابه فرایندی چندبُعدی، عقل‌محور و هدفمند تعریف می‌شود که با اتکا به عقلانیت هدایت‌گر، باورهای الهی و تقویت اراده، انسان را در مسیر بندگی خداوند و تحقق «حیات طیبه» قرار می‌دهد. این فرایند صرفاً انتقال آموزه‌های دینی یا آموزش گزاره‌های اعتقادی نیست، بلکه ناظر به درونی‌سازی ارزش‌ها، نهادینه‌سازی فضائل اخلاقی و تجسم عملی ایمان در زندگی فردی و اجتماعی است.

از دیدگاه واژه‌شناختی، «تربیت» در قرآن ریشه در «رَبَّ» دارد که به معنای رشد، پرورش، تدبیر و اصلاح اشاره دارد (ابن فارس، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۸۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۸۴). این واژه با «رَبُّو» به معنای فزونی و بالندگی نیز هم‌ریشه است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۱۲۶). بر اساس این، تربیت دینی با فرایند رشد معنوی و تعالی وجودی انسان گره‌خورده است. در آیه‌ی شریفه‌ی «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات: ۵۶)، غایت نهایی این تربیت رسیدن به عبودیت

آگاهانه معرفی شده است.

از دیدگاه روایی نیز، عقل به عنوان ابزار اصلی بندگی خداوند و راهی برای دستیابی به سعادت اخروی معرفی شده است، به گونه ای که در آموزه های امام صادق^(ع)، عقل نیروی محوری در هدایت، رشد و تربیت دینی انسان قلمداد گردیده است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۱). در ادبیات تربیتی معاصر، تعاریف متعددی از تربیت دینی ارائه شده است. داوودی آن را شامل ابعاد شناختی، عاطفی و اخلاقی می داند (داوودی، ۱۳۸۶، ص ۲۸). رهنمایی بر جنبه های فرایندی تربیت دینی تأکید می کند و آن را شامل اقداماتی مانند هدایت، نظارت، فراهم سازی زمینه ها و رفع موانع برای درونی سازی آموزه های دینی می داند (رهنمایی، ۱۳۷۸، ص ۳۲). بهشتی و نیکویی نیز تربیت دینی را مجموعه ای از روش ها برای ایجاد، حفظ و ارتقای باورها، اخلاق و رفتارهای دینی تعریف کرده اند (بهشتی و نیکویی، ۱۳۹۰ ص ۱۹۸) که جنبه های عملی، هویتی و رفتاری آن را برجسته می سازد.

همسو با آن ها، رهبر معظم انقلاب اسلامی تربیت دینی را نیرویی تمدن ساز می دانند که ظرفیت مقابله با فرهنگ های مهاجم را دارد (بیانات، ۱۳۸۲/۶/۲۸). این رویکرد بازنگری در نقش زن را - به عنوان محور تربیت خانواده - ضروری می سازد. عقلانیت زنانه در چنین منظومه ای، به مثابه نیرویی هدایت گر، گزینش گر و آرامش بخش، در شکل گیری هویت دینی نسل آینده ایفای نقش می کند.

بر اساس این، تعریف عملیاتی تربیت دینی در این پژوهش چنین است: «تربیت دینی فرایندی چندبُعدی و عقل محور برای آموزش معارف الهی، پرورش عاطفه ی دینی و نهادینه سازی رفتارهای ایمانی است که با هدایت عقلانیت زنانه در بستر خانواده، به ساخت و تثبیت هویت دینی نسل آینده می انجامد و زمینه ساز تحقق تمدن نوین اسلامی می شود.»

۴-۱-۳-۱- نقش زنان در تربیت دینی خانواده

در منابع اسلامی، نقش زنان در تربیت دینی خانواده به عنوان نقشی بنیادین و تمدن ساز توصیف شده است. زن به ویژه در مقام مادری، نخستین آموزگار ایمان، اخلاق، حیا و تقوا برای فرزندان به شمار می رود. میزان دیانت، خردورزی و نجابت زن در بنیان گذاری شخصیت دینی نسل آینده، نقشی حیاتی دارد (جمعی از مؤلفان، ۱۳۹۱، ص ۵۸۴). این نگرش زن را نه تنها در جایگاه زیستی و عاطفی، بلکه در موقعیتی محوری برای هدایت معرفتی، ارزشی و معنوی خانواده قرار می دهد.

در آموزه های نبوی، اهمیت وراثت ایمانی و فرهنگی مادران مورد تأکید قرار گرفته است. پیامبر اکرم^(ص) فرمودند: «ایاکم وخضراء الدمن؛ قیل: یا رسول الله، وما خضراء الدمن؟ قال: المرأة الحسنة فی منبت السوء؛ از گیاهان سرسبز در زمین های آلوده بپرهیزید! پرسیدند: مراد چیست؟ فرمود: زن زیارویی که در خانواده ای پست رشد کرده است» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۳). این حدیث به نقش فرهنگ، تربیت و اصالت خانوادگی زن در سرنوشت نسل ها اشاره دارد؛ همچنین در روایت دیگری

می‌فرمایند: «تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ؛ برای نسل خود خانواده‌ای اصیل انتخاب کنید؛ زیرا ریشه‌ها در نسل‌ها اثرگذارند» (همان، ص ۱۹۷).

در قرآن کریم نیز، به ارتباط سلامت اخلاقی والدین با تربیت فرزندان اشاره شده است. آیه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...» (مریم: ۲۸)، در مقام دفاع از پاکدامنی حضرت مریم^(س)، به اصالت خانوادگی او اشاره دارد. مفسران این آیه را گواهی بر اهمیت پیوند میان سلامت خانوادگی و تربیت دینی نسل دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۲۳۲).

در این چارچوب، زن مؤمن با بهره‌گیری از عقلانیت دینی، نه تنها در انتقال آموزه‌های اعتقادی، بلکه در آرام‌سازی فضای روانی خانواده، الگوسازی عملی و تربیت عاطفی و ارزشی فرزندان نقش‌آفرین است. عقلانیت زنانه در این مقام، صرفاً به معنای قدرت استدلال نیست، بلکه تلفیقی از ایمان، تدبیر، حزم، عاطفه، حیا و احساس مسئولیت تربیتی است. چنین عقلانیتی با ایفای نقشی فعال و ایجابی در عرصه‌ی خانواده، زمینه‌ساز تحقق جامعه‌ی ایمانی از درون نهاد خانواده خواهد بود؛ جامعه‌ای که از مادرانی تربیت‌یافته، عاقل و متعهد تغذیه می‌شود و به نسل‌هایی خردورز، مؤمن و مسئول منتهی می‌گردد.

۲-۴- چارچوب نظری پژوهش

رویکرد این پژوهش مبتنی بر تحلیل مضمون کیفی به شیوه‌ی استقرایی است؛ روشی که با بررسی لایه‌های معنایی واژگان و گزاره‌های قرآنی، به کشف مضامین مفهومی و بازنمایی ساختارهای معنایی در متن مقدس می‌پردازد. چارچوب مفهومی حاصل بر پایه‌ی تلفیق آموزه‌های تفسیری، روان‌شناسی تربیتی و اخلاق اسلامی سامان یافته و مبتنی بر رویکرد میان‌رشته‌ای است. در این چارچوب، عقلانیت زنانه به‌عنوان نیرویی مؤثر در نهاد خانواده، از سه دیدگاه تحلیل می‌شود: زن به‌مثابه عامل شناخت و تدبیر؛ با اتکا به عقلانیت معنوی و تفکر توحیدی؛ زن به‌مثابه الگوی هدایت تربیتی؛ با استفاده از مدیریت عاطفی، اخلاقی و الگوسازی رفتاری؛ زن به‌مثابه حافظ سرمایه‌ی دینی خانواده؛ با نقش‌آفرینی در درونی‌سازی ارزش‌ها، انسجام روانی و هویت ایمانی نسل. بدین ترتیب، چارچوب نظری پژوهش زمینه‌ای فراهم می‌سازد تا عقلانیت زنانه نه به‌عنوان امری حاشیه‌ای، بلکه به‌عنوان نیرویی بنیادین در تحقق تربیت دینی خانواده در قرآن کریم بازشناسی شود.

۵- یافته‌ها

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون کیفی و رویکرد استقرایی، ۴۰ آیه از قرآن کریم را که حاوی نشانه‌هایی از عقلانیت زنانه در زمینه تربیت دینی خانواده هستند، بررسی و تحلیل کرده است. پس از طی فرایند شش‌مرحله‌ای تحلیل مضمون بر پایه‌ی مدل براون و کلارک، پنج مقوله‌ی اصلی و ۲۰ مفهوم کلیدی از دل داده‌های قرآنی استخراج گردید. این پنج مقوله ابعاد گوناگون عقلانیت زنانه در قرآن را بازنمایی می‌کنند که به‌طور مستقیم یا ضمنی، با نقش تربیتی

زن در خانواده پیوند دارند. جدول مقوله‌ها و مفاهیم کلیدی در ادامه ارائه شده است.

۱-۵- مقوله‌ها و مفاهیم اصلی عقلانیت زنانه در قرآن

۱-۱-۵- عقلانیت معنوی

این مقوله به ارتباط ژرف زن با خداوند در مقام تربیت نسل اشاره دارد. زن در این بعد، با توکل بر خدا، نذر فرزند، دعا و تسلیم در برابر مشیت الهی، نقش معنوی خود را در هدایت خانواده ایفا می‌کند. مفاهیم کلیدی در این مقوله عبارت‌اند از: توکل و آرامش قلبی (القصص: ۷)؛ نذر تربیتی و تقرب الهی (آل عمران: ۳۶)؛ ایمان و تسلیم در برابر خداوند در شرایط دشوار (التحریم: ۱۱).

۲-۱-۵- عقلانیت اخلاقی

عقلانیت اخلاقی به فضائل رفتاری و ارزش‌های پایدار اخلاقی زنان در چارچوب خانواده اشاره دارد. این مقوله شامل مفاهیمی چون پاک‌دامنی و صداقت (مریم: ۲۶-۳۳)، حیا و وفاداری در تعاملات اجتماعی (القصص: ۲۵)، مشورت‌پذیری و تعامل محترمانه‌ی این اخلاق‌مداری محور اعتماد خانوادگی و انتقال فضائل به نسل آینده است.

۳-۱-۵- عقلانیت عاطفی

در این مقوله، زن به‌عنوان محور تعادل هیجانی و عاطفی خانواده معرفی می‌شود. عقلانیت عاطفی نه‌تنها در مدیریت احساسات، بلکه در ایجاد آرامش روانی، همدلی و انس خانوادگی متجلی می‌گردد. مفاهیم شاخص این بعد عبارت‌اند از: مدیریت بحران عاطفی در موقعیت‌های دشوار (القصص: ۱۰-۱۳)؛ نقش آرامش‌بخشی زن در روابط زناشویی (روم: ۲۱)؛ توان مراقبت عاطفی از فرزندان (قصص: ۹).

۴-۱-۵- عقلانیت زیستی

این بعد به بهره‌گیری آگاهانه‌ی زن از ظرفیت‌های زیستی خود در فرایند تربیت دینی و حفظ سلامت نسلی می‌پردازد. در این مقوله، مفاهیمی همچون شیردهی آگاهانه و مسئولانه (البقره: ۲۳۳) و مراقبت جسمی از فرزند همراه با تربیت ایمانی (لقمان: ۱۴) موردتوجه قرار گرفته است. زن در این سطح، عقلانیت خود را در پیوند با جسمانیت مسئولانه و تربیت زیستی به‌کار می‌گیرد.

۵-۱-۵- عقلانیت الگوسازانه

در این مقوله، زنانی همچون حضرت مریم^(س)، آسیه همسر فرعون و ملکه‌ی سبأ به‌عنوان نمونه‌هایی از زنان اسوه معرفی می‌شوند که عقلانیتشان در عرصه‌های مختلف دینی، سیاسی و خانوادگی قابل الگوگیری است. مفاهیم اصلی این بعد عبارت‌اند از: تدبیر در بحران و حفظ

کرامت شخصی (مریم: ۲۶-۳۳)؛ مدیریت سیاسی و تصمیم‌گیری مستقلانه (النمل: ۲۳-۴۴)؛ ایمان در برابر ظلم و استکبار (التحریم: ۱۱؛ الأنبياء: ۹۱). این عقلانیت الگوساز، زمینه‌ساز تبدیل زن به الگوی عملی در فرایند تربیت دینی و هدایت اجتماعی است.

۶- جدول مفاهیم و مقوله‌ها

جدول شماره ۱. مقوله‌های عقلانیت زنانه در قرآن و مفاهیم کلیدی استخراج‌شده

مقوله اصلی	مفاهیم کلیدی	نمونه آیات
عقلانیت معنوی	توکل، دعا، نذر فرزند، پذیرش دعوت حق، تشخیص حق و باطل، اعتماد به وحی	قصص: ۷؛ آل عمران: ۳۶؛ نمل: ۴۴؛ طه: ۳۸-۳۹؛ نمل: ۳۰
عقلانیت اخلاقی	پاک‌دامنی، حیا، صداقت، وفاداری، مشورت، نیکوکاری، درستکاری، اطاعت، راهنمایی هوشمندانه	قصص: ۲۵؛ احزاب: ۳۵؛ مائده: ۷۵؛ نساء: ۳۴؛ نمل: ۳۲؛ نمل: ۳۵؛ قصص: ۱۲
عقلانیت عاطفی	آرامش‌بخشی، شجاعت در برابر قضاوت، حمایت اجتماعی، صبر، سکوت حکیمانه، آشتی‌پذیری، دفاع از حیثیت خانواده	روم: ۲۱؛ قصص: ۱۳؛ مریم: ۲۷-۲۹؛ نساء: ۱۲۸؛ توبه: ۷۱؛ قصص: ۱۰
عقلانیت زیستی	شیردهی، زحمت مادری، زایمان، حفاظت از نسل	بقره: ۲۳۳؛ لقمان: ۱۴؛ احقاف: ۱۵
عقلانیت الگوسازانه	اقتدار و مدیریت، استقامت در ایمان، دیپلماسی، الگوسازی اخلاقی، نقش زن به‌عنوان نشانه‌ی الهی، مادری معنوی	نمل: ۲۳-۳۵؛ تحریم: ۱۱؛ انبیاء: ۹۱

۶-۲- مضمون محوری

تحلیل نهایی داده‌های قرآنی نشان می‌دهد که «عقلانیت زنانه در قرآن» یک سازه‌ی چندبعدی است که از تعامل و هم‌افزایی پنج مقوله‌ی معنوی، اخلاقی، عاطفی، زیستی و الگوسازانه شکل می‌گیرد. این عقلانیت برخاسته از پیوند درونی زن با ایمان، اخلاق، احساس، زیست‌مندی مسئولانه و قدرت الگوفرینی است.

در این چارچوب، عقلانیت زنانه صرفاً توان شناختی یا عقل ابزاری نیست، بلکه نیرویی تربیتی، هدایت‌گر و معنا‌ساز است که زن را به محور هدایت نسل، انتقال ارزش‌ها و انسجام روانی و معنوی خانواده تبدیل می‌کند. چنین عقلانیتی بنیانی برای پرورش انسان موحد، مؤمن، اخلاق‌مدار و تمدن‌ساز فراهم می‌سازد و نقش زن را در نظام تربیت دینی خانواده به جایگاه راهبردی ارتقا می‌بخشد.

۷- تبیین یافته‌ها در پرتو مبانی نظری

۱-۷- عقلانیت معنوی زنان در قرآن

عقلانیت معنوی یکی از بنیادین‌ترین ابعاد عقل‌ورزی زنانه در ساختار تربیت دینی خانواده است. این ساحت به ارتباط آگاهانه، توحیدی و خالصانه‌ی زن با خداوند اختصاص دارد و به‌گونه‌ای جهت‌دهنده عمل می‌کند که همه‌ی کنش‌های تربیتی زن در خانواده رنگ عبودیت، توکل، یقین و اخلاص به خود می‌گیرد. در رویکرد قرآنی، عقلانیت صرفاً ابزاری شناختی یا محاسباتی نیست، بلکه شامل «ادراک توحیدی»، «تشخیص غایت خلقت» و «حرکت آگاهانه به‌سوی قرب الهی» است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۳۲۰).

از برجسته‌ترین نمونه‌های عقلانیت معنوی زنانه می‌توان به شخصیت حضرت مریم^(س) اشاره کرد. او زنی است که با عبادت مداوم، تقوای درونی و باور ژرف به وعده‌های الهی، نمونه‌ای از عقلانیت توحیدی را در شرایطی سخت و پیچیده به نمایش می‌گذارد. قرآن در توصیف او می‌فرماید: «يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۴۲). این «اصطفا»، نه صرفاً انتخابی طبیعی یا زیستی، بلکه نشانه‌ای از بلوغ معنوی و عقلانیت فطری او در مسیر عبودیت است. آیه‌ی بعدی نیز با فرمان «افْتَتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» (همان: ۴۳)، مشارکت معنوی زن در فضای عبادی جامعه را برجسته می‌سازد. علامه طباطبایی این آیه را بیان‌کننده‌ی نقش فعال زن در حیات دینی اجتماعی و مشارکت در جماعت عبادت‌محور می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۵۷). ابن عربی نیز در تحلیل عرفانی خود، دریافت الهام از سوی حضرت مریم را نمونه‌ای از عقلانیت شهودی و نوعی نبوت باطنی می‌داند که جایگاه زن را در دریافت پیام الهی ارتقا می‌دهد (ابن عربی، ۱۲۹۳، ج ۲، ص ۵۸). چنین عقلانیتی نه تنها با جنسیت در تضاد نیست، بلکه مؤید ظرفیت باطنی زنان برای دریافت و هدایت الهی است.

نمونه‌ی دیگر این عقلانیت در شخصیت آسیه همسر فرعون متجلی است؛ زنی که در دل ساختار طاغوتی، آرزوی وصال الهی را بر زندگی در کاخ فرعون ترجیح می‌دهد: «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ...» (التحریم: ۱۱). این دعا نه تنها یک نیایش فردی، بلکه نوعی جهت‌گیری عقلانی و راه‌بردی زن مؤمن در برابر سلطه، رفاه‌زدگی و قدرت دنیوی است. قرائتی این آیه را تجلی انتخاب آگاهانه‌ی تعالی روحی بر لذت دنیوی می‌داند (قراحتی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۹).

مادر حضرت موسی^(ع) نیز، در لحظه‌ای حساس و بحرانی، با دریافت الهام و عمل به آن، نمونه‌ای دیگر از عقلانیت معنوی را رقم می‌زند: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ...» (القصص: ۷). اعتماد به وعده‌ی الهی، چیره شدن بر ترس طبیعی مادری و اقدام به سپردن نوزاد به رود نیل نشان از ایمانی ژرف و تعقلی معنوی دارد که منبع آن اطمینان به حکمت و نجات الهی است (صانع‌پور، ۱۴۰۱، ص ۸۲). عقلانیت معنوی در قرآن ساختار بنیادینی از عقلانیت زنانه است که در پیوند با عبودیت، طهارت باطنی، معرفت الهی و اطمینان به وعده‌های ربوبی شکل می‌گیرد. این عقلانیت زنان را به کنشگرانی هدایت‌گر، معنابخش و آرامش‌ساز در نظام تربیت دینی خانواده تبدیل می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مفاهیمی چون توکل، عبادت، تسلیم، نذر تربیتی و درخواست

قرب الهی شاخص‌ترین تجلی‌های عقلانیت معنوی زنانه‌اند. نمونه‌های قرآنی همچون حضرت مریم^(س)، آسیه و مادر حضرت موسی^(ع) نشان می‌دهند که ایمان و معنویت زیرساخت عقلانیت تربیتی و اجتماعی زنان در قرآن هستند.

۲-۷- عقلانیت اخلاقی زنان در قرآن

عقلانیت اخلاقی در دیدگاه قرآنی، نمود پیوند عقل، ایمان و فضیلت در رفتار فردی و اجتماعی زن است. در ساحت خانواده، این عقلانیت بر مسئولیت اخلاقی زن در قبال خود، همسر، فرزندان و جامعه تأکید دارد و الگوی رفتار تربیتی او را در چارچوب ارزش‌های الهی شکل می‌دهد. عقلانیت اخلاقی صرفاً در شناخت مفاهیم ارزشی متوقف نمی‌شود، بلکه آن‌ها را به الگوهای عملی و پایدار رفتاری تبدیل می‌سازد. زن در این مقام مربی فضیلت، حافظ مرزهای اخلاقی و عامل انتقال کرامت انسانی به نسل آینده است.

از دیدگاه قرآن، مؤلفه‌هایی چون قنوت، حیا، صداقت، اخلاص، وفاداری، امر به معروف، حفظ امانت در غیاب همسر، پرهیز از تبرج و خشوع، از شاخص‌های بارز عقلانیت اخلاقی زن مؤمن‌اند. آیه‌ی مشهور «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...» (نساء: ۳۴)، بر دو ویژگی بنیادین «قنوت» و «حفظ غیب» تأکید می‌کند. «قنوت» به معنای اطاعت آگاهانه و فروتنی در برابر خداوند است و «حفظ غیب»، بیان‌کننده تعهد اخلاقی زن نسبت به همسر، حتی در غیاب اوست. علامه طباطبایی این ویژگی‌ها را نمود عقلانیتی می‌داند که از ایمان نشأت گرفته است و مسئولیت‌پذیری اخلاقی زن را در متن حیات خانوادگی تثبیت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۴۹).

در آیات سوره‌ی احزاب نیز، زنان پیامبر مأمور به حفظ جایگاه الگویی خود شده‌اند: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ...» (احزاب: ۳۲). در ادامه‌ی این سوره، توصیه‌هایی مانند «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ» و «قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» (همان: ۳۳)، از چارچوبی عقلانی حکایت دارد که بر وقار، تقوای رفتاری، پرهیز از تحریک جنسی در کلام و حرکت و حفظ کرامت زنانه در جامعه استوار است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۲۹۴).

حضرت مریم^(س) نیز نماد عقلانیت اخلاقی در برابر طوفان قضاوت اجتماعی است. در مواجهه با تهمت، نه جدل کرد و نه به واکنش هیجانی تن داد، بلکه با اشاره به نوزاد، موضوع را به حکمت الهی واگذار نمود: «فَأَسَارَتْ إِلَيْهِ...» (مریم: ۲۹). این کنش سکوت و تفویض تجلی عقلانیتی است که در برابر هتک حیثیت، به کرامت، صبر و اتکا به حق پناه می‌برد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۲۷۲). از دیدگاه روان‌شناختی، این سکوت نشانه‌ی کنترل هیجانات، خودتنظیمی معنوی و توان تصمیم‌گیری اخلاقی در موقعیت فشار است.

در آیه‌ای دیگر، دختران شعیب در تعامل اجتماعی، رفتاری توأم با حیا و وقار دارند: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ...» (قصص: ۲۵). از نگاه مفسران، واژه‌ی «استحیاء» نه تنها حاکی از حجب رفتاری است، بلکه نشان‌دهنده‌ی بلوغ اخلاقی و عقلانی زن در تعامل با نامحرم در فضای

عمومی است. مرتضی مطهری این آیه را مستند قرآنی «حیا به مثابه عقلانیت اجتماعی زنانه» معرفی می‌کند (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۲۹۵).

از دیدگاه اخلاق اسلامی، عقلانیت اخلاقی زن متضمن کنترل ترس‌ها و هیجانات در چارچوب ارزش‌های الهی است. مصباح یزدی «خوف» افراطی را که مانع انجام وظایف اخلاقی شود، یک ردیلت می‌داند و آن را مشابه با اختلالات اضطرابی در روان‌شناسی شناختی می‌خواند (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۲۴۲)؛ همچنین شفیع‌آبادی و ناصری منشأ بسیاری از اضطراب‌ها را «افکار غیرعقلانی» و «تفسیرهای نادرست از آینده» می‌دانند (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۹۶، ص ۱۳۱-۱۳۲).

در نظریه‌ی معنا درمانی فرانکل نیز، اضطراب حاصل خلأ معنایی است و عقلانیت اخلاقی به فرد کمک می‌کند تا با یافتن معنا، از روان‌رنجوری و ناهنجاری‌هایی یابد (مارشال، ۱۳۹۶، ص ۴۰). این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که تضعیف عقلانیت اخلاقی و معنوی در زنان نه تنها منشأ اضطراب روانی، بلکه تهدیدی برای سلامت تربیت دینی خانواده است.

عقلانیت اخلاقی زنانه در قرآن ساختاری چندلایه دارد که اخلاق فردی، تربیت خانوادگی و تعامل اجتماعی را در برمی‌گیرد. این عقلانیت نه تنها حافظ کرامت زن، بلکه هدایت‌گر تربیت معنوی نسل است. از نگاه این پژوهش، مؤلفه‌هایی مانند پاک‌دامنی، صداقت، حیا و اخلاص، نه صرفاً فضیلت‌هایی فردی، بلکه معیارهای راهبردی برای تربیت دینی در خانواده و جامعه‌ی قرآنی هستند. این دیدگاه با رویکرد فضیلت‌مدار زاگزبسکی نیز هم‌سوست؛ جایی که تأکید می‌شود، الگوهای اخلاقی نه تنها راهنمای اخلاق فردی، بلکه منابعی برای تعلیم و تربیت نسل آتی‌اند (Zagzebski, 2010, p. 51,52).

۳-۷- عقلانیت عاطفی زنان در قرآن

عقلانیت عاطفی در قرآن جلوه‌ای از همگرایی میان عقل، عاطفه و ایمان در کنش‌های زنانه است؛ عقلانیتی که در آن، عاطفه هدایت‌شده به مثابه بخشی از حکمت عملی زن در خانواده و جامعه ایفای نقش می‌کند. برخلاف تصویر کلیشه‌ای از زنان به عنوان موجوداتی صرفاً عاطفه‌محور و غیرعقلانی، قرآن سیمایی از زن ارائه می‌دهد که با مدیریت هیجانات، تنظیم روابط عاطفی و ایجاد امنیت روانی، بنیان خانواده را سامان می‌دهد.

در آیه‌ی کلیدی زیر، بر نقش زن در تأمین آرامش روانی و پیوندهای عاطفی تأکید شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً...» (روم: ۲۱). مفسران از جمله علامه طباطبایی، واژه‌ی «تسکنا» را ناظر بر نیاز اصیل روانی انسان به آرامش دانسته‌اند؛ نیازی که در ساختار زوجیت، زن نقشی خاص در تحقق آن دارد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۱۶۰). عقلانیت عاطفی در این آیه در قالب سه گانه‌ی سکینه، مودت و رحمت، بنیان روان‌شناختی رابطه‌ی زن و مرد را شکل می‌دهد.

نمونه‌ای دیگر از این عقلانیت را در داستان مادر موسی^(ع) می‌توان مشاهده کرد. در شرایط بحرانی، خداوند به او الهام می‌کند که نوزادش را به رود نیل بسپارد: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ

أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ...» (قصص: ۷)؛ سپس برای آرام‌سازی روانی او، وعده‌ی بازگرداندن کودک داده می‌شود: «فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَ لَا تَحْزَنَ...» (همان: ۱۳). این آیات تصویری از «پایداری هیجانی در بحران» و «اتکا به ایمان برای مدیریت ترس» ارائه می‌دهند. مادر موسی به‌جای فروپاشی روانی، نقش روانی-ایمانی خود را در شرایط دشوار ایفا می‌کند که از دید روان‌شناسی رشد، نشانه‌ای از بلوغ هیجانی و تنظیم عاطفی است.

همین الگو را در کنش حضرت مریم^(ص) نیز می‌بینیم. هنگامی‌که با فشار اجتماعی سنگین ناشی از ولادت بدون پدر مواجه می‌شود، از واکنش هیجانی یا توضیح و دفاع پرهیز می‌کند و تنها با اشاره به نوزاد پاسخ می‌دهد: «فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ...» (مریم: ۲۹). این سکوت نه نشانه‌ی ضعف، بلکه نمایش «توکل فعال»، «اعتماد به فرایند الهی» و نوعی از عقلانی‌سازی بحران از مسیر عاطفه‌ی مهارشده است. جوادی آملی این رفتار را جلوه‌ای از حکمت در مواجهه با قضاوت اجتماعی معرفی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۳۲۰).

از نگاه روان‌شناسی، نظریه‌پردازانی چون شولتز و شولتز تعاملات محبت‌آمیز و عاقلانه‌ی مادرانه را بنیان اعتماد به نفس و امنیت روانی کودک در بزرگسالی می‌دانند (شولتز و شولتز، ۱۳۹۲، ص ۳۲۷-۳۲۸). در این چارچوب، عقلانیت عاطفی زنان نقش «تنظیم‌گر هیجانات» را بر عهده دارد و انسجام روانی اعضای خانواده را تقویت می‌کند.

گلمن در روان‌شناسی هوش هیجانی، عقلانیت عاطفی را مشتمل بر سه مؤلفه‌ی کلیدی می‌داند: آگاهی هیجانی، همدلی شناختی و مهارت‌های سازگاری (گلمن، ۱۳۹۸، ص ۱۲۵). این مؤلفه‌ها با مدل رفتاری زن قرآنی سازگاری دارد؛ زنی که با محبت، شفقت، گذشت و درک متقابل، نقش عقلانی در تحکیم بنیان خانواده ایفا می‌کند. در سطح تربیت فرزند، عقلانیت عاطفی مادر ضامن شکل‌گیری دلبستگی ایمن (secure attachment) است. این دلبستگی نه تنها زمینه‌ساز اعتماد و مسئولیت‌پذیری کودک، بلکه بنیان‌گذار انسجام روانی در دوران رشد است (برک، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۲۱). قرآن با بازنمایی چهره‌هایی چون مادر موسی، زنان پیامبر و حضرت مریم، عقلانیتی از زن عرضه می‌کند که در آن، ایمان و آگاهی روانی و عاطفه‌ی جهت‌دار در خدمت سلامت و امنیت روانی خانواده قرار گرفته است.

عقلانیت عاطفی زنان در قرآن نه در تقابل با عقلانیت، بلکه به‌مثابه شکلی از آن معرفی می‌شود. زن در خانواده‌ی قرآنی، تکیه‌گاه آرامش، کانون انسجام روانی و محور اعتدال هیجانی است. از دیدگاه این پژوهش، عقلانیت عاطفی زنانه با نظریه‌های معاصر مانند «دلبستگی ایمن» و «هوش هیجانی» همسو است و کارکردی تربیتی، روان‌شناختی و تمدنی دارد. این عقلانیت بخشی جدانشدنی از تربیت دینی در خانواده‌ی اسلامی است و از طریق الگوسازی قرآنی، قابلیت بازتولید در نظام تربیت نسل را دارد.

۴-۷- عقلانیت زیستی زنان در قرآن

عقلانیت زیستی به مثابه یکی از ابعاد بنیادین عقلانیت زنانه، ناظر بر بهره‌گیری هدفمند، هوشمندانه و اخلاقی زن از ظرفیت‌های زیستی و فیزیولوژیکی خود در خدمت سلامت نسل، پرورش فرزندان و تحقق اهداف تربیت دینی است. این عقلانیت تلفیقی از غریزه و آگاهی، بدن و معنا و طبیعت و اخلاق است که تجربه‌ی مادری را از یک عملکرد صرفاً زیستی به کنشی دینی و عقلانی ارتقا می‌دهد (کلانتری، ۱۳۹۹، ص ۸۲).

قرآن کریم نقش مادری را تنها یک امر طبیعی تلقی نمی‌کند، بلکه آن را با تدبیر، عقل‌ورزی و مسئولیت دینی همراه می‌سازد. آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی لقمان با تعبیر «حَمَلْتُهُ أُمُّهُ وَهَنَّا عَلٰی وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِيْ عَامَيْنِ»، به دو مرحله‌ی بارداری و شیردهی اشاره می‌نماید. عبارت «وهناً علی وهن» نمادی از رنج فیزیکی فزاینده‌ی مادر است؛ اما از دیدگاه تفسیری، این رنج نه تنها پدیده‌ای فیزیولوژیک، بلکه تجلی عقلانیتی آمیخته با محبت، صبر و درک هدف الهی در استمرار نسل انسانی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۰). در آیه‌ی ۲۳۳ سوره‌ی بقره نیز آمده است: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ... فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ...» این آیه ضمن تأکید بر حق و مسئولیت زیستی مادر در شیردهی، نقش شناختی و تصمیم‌ساز او در فرایند تغذیه و رشد کودک را نیز برجسته می‌کند. تعبیر «تشاور» و «تراضی» در این سیاق، نشان‌دهنده‌ی عقلانیتی مشارکتی و آگاهانه است که مادر با شناخت درونی از بدن خویش و نیازهای کودک، در تصمیم‌سازی نقش محوری دارد (طبرسی، ۱۳۵۰، ج ۳، ص ۲۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۳۷۷). پژوهش‌های زیست‌روان‌شناختی نیز تأیید می‌کنند که زن توانمندی‌های زیستی-شناختی منحصر به فردی در فرایند مادری دارد. از جمله‌ی این توانمندی‌ها می‌توان به حساسیت به حالات چهره، درک ظریف از گریه‌ی کودک، دقت شنیداری بالا و ترشح هورمون‌هایی چون اکسی‌توسین اشاره کرد که موجب پیوند عاطفی، مراقبت مستمر و هماهنگی با نیازهای فرزند می‌شود (گانونگ، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۵۰-۱۵۱). این ویژگی‌ها نه صرفاً واکنش‌های غریزی، بلکه بستر شکل‌گیری کنش‌های عقلانی-تربیتی در مواجهه با کودک است.

علاوه بر این، تجربه‌ی مادری واجد پیامدهای روان‌شناختی و اخلاقی عمیق است. مادر در مسیر مادری، با فضیلت‌هایی چون صبر، ایثار، آرامش‌بخشی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی خو می‌گیرد (منجم، ۱۳۸۴، ص ۲۹، ۸۵). این ویژگی‌ها مؤید آن است که عقلانیت زنانه نه تنها در سطح شناختی، بلکه در بُعد جسمانی و زیستی نیز حضور دارد.

در جمع‌بندی می‌توان عقلانیت زیستی زنانه را به صورت زیر تعریف کرد: «توان اخلاقی-شناختی زن در بهره‌گیری آگاهانه و هدفمند از ظرفیت‌های زیستی و بدنی خود برای پرورش نسلی سالم، دین‌دار و معناگرا با اتکا به هدایت الهی و مسئولیت‌پذیری دینی.» از دیدگاه قرآنی، زن تنها ناقل زندگی طبیعی نیست، بلکه با عقلانیت زیستی‌اش، رشددهنده‌ی حیات انسانی در ساحت اخلاق، ایمان و معناست. نقش زن در بارداری، شیردهی و مراقبت از فرزند جلوه‌ای از پیوند جسم و

روح، غریزه و عقل و تربیت و هدایت است.

آیات کلیدی مانند بقره: ۲۳۳ و لقمان: ۱۴، همراه با شواهد روان‌شناسی زیستی نشان می‌دهند که زن در قرآن عقلانی‌ترین نقش در استمرار، سلامت و تعالی حیات انسانی دارد؛ عقلانیتی که نه تنها در ذهن، بلکه در بدن و تجربه‌ی زیسته تجلی‌یافته است. در این نگاه، مادری یک کنش مقدس عقلانی است؛ تلفیقی از شناخت، اخلاق و زیست فعال الهی که ضامن سلامت جسمی و تربیت معنوی نسل آینده است.

۵-۷- عقلانیت الگوسازانه‌ی زنان در قرآن

عقلانیت الگوسازانه یکی از ساحت‌های راهبردی عقلانیت زنانه در قرآن است که با نقش‌آفرینی زنان در تربیت دینی از طریق اسوه‌سازی اخلاقی، رفتاری و ایمانی تحقق می‌یابد. در نظام تربیت اسلامی، اسوه‌سازی فرایندی فعال، هنجاری و تربیت‌محور است که نه تنها در تربیت خانوادگی، بلکه در الگودهی اجتماعی و تمدنی نیز تأثیرگذار است (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴، ص ۳۵۳). از دیدگاه فلسفه‌ی اخلاق فضیلت‌محور، افعال اخلاقی نه صرفاً در قالب قواعد، بلکه با ارجاع به شخصیت‌های واقعی الگوی نیک، معنا می‌یابند و درک، باور و درونی‌سازی فضایل در سایه مشاهده و اقتدای رفتاری شکل می‌گیرد (Zagzebski, 2005, p. 358). این فرایند درباره‌ی زنان، با نمودهای قرآنی و تجارب عملی از زنان نمونه در بستر خانواده و اجتماع، به تربیت معنوی نسل منجر می‌شود.

۵-۷-۱- حضرت مریم^(س): الگوی عقلانیت معنوی و مادری الهی

حضرت مریم^(س) در قرآن، نه تنها مادری مادی برای حضرت عیسی^(ع)، بلکه مادری الهی و معنوی برای همه‌ی مؤمنان تلقی می‌شود. آیه‌ی «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً» (انبیاء: ۹۱)، او را در کنار فرزندش، آیه‌ای از سوی خداوند معرفی می‌کند. واژه‌ی «آیه» در این سیاق، حامل معنای الگو، نشانه و واسطه‌ی هدایت است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۳۸۲).

عقلانیت الگوسازانه‌ی مریم از چند نظر برجسته است: بندگی خالصانه در محراب عبادت (آل عمران: ۴۲-۴۳)؛ پذیرش بدون تردید پیام الهی، سکوت حکیمانه در برابر قضاوت اجتماعی (مریم: ۲۷-۲۹)؛ اعتماد به وعده‌ی خداوند. ابن عربی در فتوحات مکیه، تجربه‌ی دریافت وحی توسط مریم را نوعی تجلی روح القدس در انسان کامل زن می‌داند و آن را نشانه‌ی شکوه عقل الهی در وجود زن توصیف می‌کند (ابن عربی، ۱۲۹۳، ج ۲، ص ۵۸)؛ همچنین برخی مفسران مانند علامه طباطبایی، مریم را در زمره‌ی صدّیقین قرار داده‌اند (مأئده: ۷۵)؛ مقامی که در عرف قرآنی، مرتبه‌ی والای معرفتی و ایمانی است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۳۳۶).

۷-۵-۲- آسیه (همسر فرعون): الگوی عقلانیت مقاوم و مؤمنانه

در آیه ۱۱ سوره تحریم، آسیه به عنوان زن مؤمنی معرفی شده است که با بیان «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»، عقلانیتی ایمانی و مقاوم را به نمایش می‌گذارد. او در مقام همسر طاغوت زمان، با ترجیح قرب الهی بر لذت دنیوی، نمونه‌ای از عقلانیت الگوساز برای مقاومت در برابر ظلم را ارائه می‌دهد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۱۳۹). این عقلانیت در دفاع از کودک موحد (حضرت موسی)، حفظ ایمان در شرایط خفقان و شهادت با بصیرت متجلی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۸۲).

۷-۵-۳- بلقیس (ملکه ی سبا): الگوی عقلانیت سیاسی و تأمل‌محور

داستان بلقیس در سوره نمل (آیات ۲۲-۴۴)، نمود بارزی از عقلانیت الگوساز زنانه در عرصه سیاست، قدرت و ایمان است. او با مشورت با نخبگان (آیه ۳۲)، تحلیل پیام الهی سلیمان (آیه ۳۵) و پرهیز از جنگ طلبی، عقل سیاسی خود را نشان می‌دهد. نقطه‌ای اوج این عقلانیت در آیه ۴۴ سوره نمل نمایان است که می‌گوید: «قَالَتْ رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». ایمان بلقیس برخاسته از شناخت و تأمل در قدرت الهی است، نه ترس یا فریب (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۵۱۲). این ویژگی عقلانیتی تأملی، واقع‌بین و الگوساز را به تصویر می‌کشد.

۷-۵-۴- امهات المؤمنین: مادر- الگویی برای امت

در آیه ۶ سوره احزاب، همسران پیامبر (ص) با عنوان «أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ» معرفی می‌شوند. تعبیر «مادر» در اینجا نه تنها نقش عاطفی، بلکه شأنی الگوساز برای هدایت و تربیت امت دارد. آنان با حضور در بطن جامعه نبوی، انتقال‌دهنده‌ی معارف وحی، اخلاق اسلامی و سبک زندگی دینی به امت بودند. این نقش در گرو عقلانی دانستن جایگاه خود، درک ظرافت‌های موقعیت نبوی و عمل به وظایف اجتماعی و خانوادگی بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۶۸). مقوله‌ی «عقلانیت الگوسازانه» در قرآن، بُعدی چندلایه از عقل زنانه را نشان می‌دهد که در آن، زن نه تنها کنشگر در خانواده، بلکه الگو برای نسل‌ها در حوزه‌ی ایمان، اخلاق، عاطفه و اجتماع است. حضرت مریم، آسیه، بلقیس و ام‌المؤمنین‌ها، هریک نماینده‌ی یکی از این ابعادند؛ در نتیجه، قرآن با نمایش این اسوه‌های عقلانی، الگویی جامع از نقش زن در تربیت دینی خانواده ارائه می‌دهد که فراتر از جنسیت، در بُعد معنوی و تمدنی معنا می‌یابد.

۸- نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که «عقلانیت زنانه» در منظومه‌ی قرآنی، صرفاً یک ویژگی شناختی فردی نیست، بلکه ساختاری چندبعدی و فعال در نظام تربیت دینی خانواده است. تحلیل مضمون آیات پنج بُعد درهم‌تنیده از عقلانیت زنانه را آشکار ساخت: معنوی، اخلاقی،

عاطفی، زیستی و الگوسازانه. این ابعاد شبکه‌ای منسجم از قابلیت‌های تربیتی زن را ترسیم می‌کنند که در فرایند انتقال ایمان، ارتقای فضایل، تأمین آرامش، سلامت نسل و ارائه‌ی الگوی رفتاری در خانواده ایفای نقش می‌نمایند.

پژوهش حاضر با اتکا به روش تحلیل مضمون کیفی و رویکردی میان‌رشته‌ای نشان داد که عقلانیت زنانه در قرآن مفهومی پیچیده، تربیت‌محور و مسئولانه است که فراتر از عقل ابزاری یا تصمیم‌گیری فردی، به هدایت‌گری معنوی و اخلاقی در نهاد خانواده می‌انجامد. نمونه‌هایی چون حضرت مریم^(س)، آسیه، مادر حضرت موسی و ملکه‌ی سبأ مصادیق عینی این عقلانیت هستند که در موقعیت‌های تربیتی، سیاسی و اجتماعی، کنشگری عقلانی-ایمانی را به نمایش گذاشته‌اند.

در تحلیل نهایی می‌توان عقلانیت زنانه را در قرآن، به مثابه نیرویی تمدن‌ساز و حیات‌بخش تلقی کرد که با درک ابعاد وجودی و زیستی زن، او را به بازیگری فعال در تحقق حیات طیبه و تمدن دینی تبدیل می‌کند؛ از این‌رو، مدل برآمده از این پژوهش ظرفیت آن را دارد که در سیاست‌گذاری‌های تربیتی، آموزش خانواده و طراحی الگوهای دینی زنانه در جامعه‌ی معاصر به کار گرفته شود.

با وجود تأکید قرآن بر ابعاد گوناگون عقلانیت زنانه، در بسیاری از ساختارهای اجتماعی و تربیتی معاصر، نقش عقل‌محور زنان کم‌رنگ یا دچار سوءبرداشت است. غلبه‌ی تصویر عاطفه‌محور، نبود الگوهای معرفتی زنانه در رسانه و تعلیم و تربیت و برداشت‌های سطحی از جنس زن در برخی تفاسیر از جمله موانع تحقق عقلانیت زنانه در خانواده‌های دینی است. این مسئله نیازمند بازخوانی انتقادی نظام‌های تربیتی موجود از دیدگاه قرآنی و بازتولید مفاهیم دینی با محوریت زنان عاقل و مؤمن در منابع اسلامی است.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه‌ی فولادوند.
- نهج البلاغه؛ ترجمه‌ی محمد دشتی.
- ابن فارس، أبو الحسن احمد؛ معجم مقاییس اللغة؛ بتحقیق عبدالسلام محمد هارون؛ مصر: شركة مكتبة و مطبعة الحلب، ۱۳۸۹ ق.
- ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- ابن عربی، محیی‌الدین؛ الفتوحات المکیه؛ بولاق، ۱۲۹۳ ق.
- استراوس، انسلم؛ کریین، جولیت؛ اصول روش تحقیق کیفی؛ نظریه‌ی مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها؛ ترجمه‌ی بیوک محمدی؛ تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵ ش.
- برک، لورا؛ روان‌شناسی رشد؛ ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی؛ تهران: ارسباران، ۱۳۹۳ ش.
- بهشتی، سعید؛ نیکویی، روشنک؛ کاوش‌هایی در باب فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام؛ قم: مرکز تحقیقات رایانه‌ای علوم انسانی، ۱۳۹۰ ش.
- پارسانیا، حمید؛ روش‌های انتقادی حکمت صدرایی؛ قم: کتاب فردا، ۱۳۸۹ ش.
- جمعی از مؤلفان؛ درآمدی بر نظام‌نامه تربیتی المصطفی؛ قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۴۰۰ ش.
- جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم؛ محقق: سعید بتدعلی؛ قم: اسراء، ۱۳۸۷ ش.
- جوادی آملی، عبدالله؛ زن در آیینه جلال و جمال؛ قم: اسراء، ۱۳۷۸ ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة؛ بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۴ ق.
- دانایی‌فرد، حسن؛ امامی، سید مجتبی؛ «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»؛ اندیشه مدیریت، شماره ۲، ۱۳۸۶ ش.
- دلشاد تهرانی، سید رضا؛ ماه مهرپور؛ تهران: دریا، ۱۳۹۴ ش.
- راغب اصفهانی، ابی‌القاسم حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ قرآن؛ بیروت: دارالشامیه؛ دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۶ ق.
- رهنمایی، سید احمد؛ «میزگرد تعلیم و تربیت دینی»؛ معرفت، سال ۸، شماره ۳۲، ۱۳۷۸ ش.
- شولتز، دوان پی؛ شولتز، سیدنی؛ نظریه‌های شخصیت؛ ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی، تهران: ویرایش، ۱۳۹۲ ش.
- شفیع‌آبادی، عبدالله؛ ناصری، غلام‌رضا؛ نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۶ ش.
- صانع‌پور، مریم؛ عقلانیت در روایتی زنانه (گفتمان قرآنی)؛ قم: ادیان و مذاهب، ۱۴۰۱ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع‌البیان؛ ترجمه‌ی محمد مفتاح؛ تهران: فراهانی، ۱۳۵۰ ش.
- طباطبایی، محمدحسین؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه‌ی محمدباقر موسوی؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ ش.
- عمید، حسن؛ فرهنگ عمید؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۹ ش.

- غفاری‌پور، یونس؛ الگوی عقلانیت دینی تمدن‌ساز در سیره امیرالمؤمنین^(ع) (رساله‌ی دکتری)؛ استاد راهنما: دکتر محسن الویری؛ دانشگاه باقرالعلوم^(ع)، ۱۳۹۷ ش.
- قائمی، علی؛ نقش مادر در تربیت؛ تهران: سیزدهم، ۱۳۸۶ ش.
- قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
- کلانتری، مریم؛ نقش زن در تعالی فرهنگی جامعه از منظر آیات و روایات (رساله‌ی دکتری علوم قرآن و حدیث)؛ استاد راهنما: دکتر محسن میرباقری؛ دانشگاه اصول دین، ۱۳۹۹ ش.
- کلینی، أبوجعفر محمدبن یعقوب؛ اصول کافی؛ تصحیح و تعلیق: علی‌اکبر غفاری؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
- گانونگ، ویلیام اف؛ کلیات فیزیولوژی پزشکی؛ ترجمه‌ی فرخ شادان و فرشته معتمدی؛ تهران: چهره، ۱۳۷۹ ش.
- گلمن، دانیل؛ هوش هیجانی: خودآگاهی هیجانی، خویشتن‌داری، همدلی و یاری به دیگران؛ ترجمه‌ی نسرین پارسا، تهران: رشد، ۱۳۸۹ ش.
- فراهیدی، خلیل‌بن احمد؛ کتاب العین؛ محققان: مهدی مخزومی و إبراهیم سامرائی؛ بیروت: مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۰۹ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- منجم، رؤیا؛ زن - مادر (نگاهی متفاوت به مسئله زن)؛ تهران: نشر کتاب مس، ۱۳۸۴ ش.
- مطهری، مرتضی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ تهران: صدرا، ۱۳۸۲ ش.
- مارشال، ماریا؛ منشور معنادرمانی (راهنمای اصول بنیادین معنادرمانی)؛ تهران: جوانه رشد، ۱۳۹۶ ش.
- نرم‌افزار «حدیث ولایت ۳»؛ مجموعه بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)؛ مؤسسه نور، سال‌های ۱۳۵۷-۱۴۰۲ ش.
- 1. Zagzebski, Linda Trinkaus. "Morality and Religion." In The Oxford Handbook of Philosophy of Religion, edited by William J. Wainwright. New York: Oxford University Press, 2005.
- 2. _____, "Exemplarist Virtue Theory." Metaphilosophy. Oxford: Blackwell Publishing Ltd, January 11, Vol. 41, pp. 41-57, (2010).

